



نخستین تماس با شکسپیر

آندرانیک هویان

در بهار سال ۱۹۱۶ میلادی شهر لندن پذیرای
عده کثیری از ادباء، فضلا، و شکسپیرشناسان سراسر
جهان بود. تعداد بسیاری از شکسپیرشناسان از کشورهای
مختلف جهان به لندن دعوت شده بودند تا در مراسمی
که به مناسبت سیصدمین سالگرد درگذشت ویلیام
شکسپیر برگزار می‌گردید شرکت جویند.^۱

۱- نشریه هیات مراسم یادبود هوانس خان ماسعیان (مساعدالسلطنه)
تهران ۱۳۴۲، صفحه ۴.

کمیته برگزارکننده، از آوانس خان ماسحیان یکی از رجال برجسته اواخر دوره قاجار دعوت به عمل آورده بود تا در آن مجلس شرکت جسته و درباره شکسپیر و آثار او سخنرانی کند. آوانس خان ماسحیان از اولین ایرانیانی است که آثار شکسپیر را به زبان فارسی ترجمه کرده و شکسپیر و آثار او را به ایرانیان شناسانده است.

آوانس خان ماسحیان مدت چهل سال از عمر خود را صرف ترجمه آثار شکسپیر به زبانهای فارسی و ارمنی کرده است. دعوت کمیته برگزارکننده سیصدمین سالگرد درگذشت شکسپیر از آوانس خان ماسحیان برای سخنرانی در آن مجمع جهانی، درباره شکسپیر و آثار او مبین شناخته شدن وی از سوی رجال علم و ادب انگلستان به عنوان شکسپیرشناسی برجسته بود.

ماسحیان در آن مجمع به زبان انگلیسی سخنرانی کرد و در مورد ویلیام شکسپیر چنین گفت: ^۲ «لرد گرامی جناب شهردار، عالیجنابان لردان، خانمها و آقایان. در این زمان مانند زایری مشتاق برای شرکت در سیصدمین سالگرد درگذشت شکسپیر آمده‌ام، به خاطر شخصیتی که، ترجمه آثارش به زبان مادری‌ام تنها هدف زندگانی من بوده است.

«هرگز تصور نمی‌کردم که این افتخار نصیب من خواهد شد که به این مجمع برای ایراد سخنرانی دعوت کردم.

«سپاس فراوان خود را به حضور هیئت محترم برگزارکننده سیصدمین سالگرد شکسپیر، به خاطر این افتخاری که نصیبم کرده‌اند تقدیم می‌دارم. به این طریق به من فرصت داده شده است تا احترام و ستایش ناقابل خویشتن را به تحسین یکپارچه دنیای متمدن پیوند زنم. با به زبان آوردن کلمه یکپارچه، منظورم لفاظی نیست.

۲- هوانس ماسحیان ۱۸۶۴ - ۱۹۳۱ به مناسبت سی‌امین سالگرد وفات ماسحیان چاپ تهران، ۱۹۶۳ صفحات ۱۹-۲۰-۲۱.



«نبوغ بزرگ و بی‌همتای شکسپیر مهمترین دستاورد فکری ملت انگلیس است که مرزهای قومی، زمانی و زبانی را درنور دیده

تا صدا و آرمان انسانیت گردد.

«این جزیره گرانبهای یافت شده در دریای سیمگون* افتخار آن را داشته است که به او جان بخشید. هر ملتی افتخار می‌کند که بتواند سخنانش را بشنود، او را دوست بدارد و ستایش و تحسین کند، درك کردن و ارج نهادن به شکسپیر، احتیاج روحی متفکران عصر حاضر است.

«تمایلات نفسانی و تنفر لجام‌گسیخته و برخورد های وحشت‌انگیز بین‌المللی، نتوانسته است موانع یا حتی محدودیتی در راه ادای احترام و تحسین نسبت به این پیام‌آور انسانیت ایجاد کند، زیرا برای نسل‌ها و قرون متوالی، شکسپیر با قلب‌های ملت‌ها به صحبت نشست و آنها را تسخیر کرده است، بعد از اروپا و آمریکا اکنون نوبت قاره آسیاست.

«يك فرد تحصیل‌کرده ایرانی در برخورد اول با این شاعر و درام‌نویس بزرگ، مبهوت و مقهور عظمت فکر او می‌گردد، او خود را در مقابل جنگلی عظیم و غیر قابل نفوذ حس می‌کند، و محو جمال و مسحور ابهت آن می‌گردد و قادر نیست راه خود را در آن جنگل پیدا کند، ولی وقتی کم‌کم آشنائی بیشتری پیدا کرد، در شکسپیر روح داستانسرائی و پهلوانی شاعر ملی خود فردوسی و فلسفه و عقاید پر ارج مولانای رومی، نسیم غزل‌های سعدی و حافظ و حکمت عمر خیام را حس می‌کند.

«اولین تماس يك ایرانی با شکسپیر، تأثیرش چندان زیاد است که او را از ترجمه آثار شکسپیر به زبان مادریش مأیوس می‌سازد. نخستین دشواری در ترجمه آثار شکسپیر اختلاف شدید بین طرز تفکر مشرق‌زمینیان با مردم غرب است، زیرا طرز تفکر شکسپیر، قالب یونانی و لاتین دارد. دومین مشکل، استفاده از شعر آزاد است، با به‌کارگیری نظم و نثر که تلفیقی بسیار زیبا برای بیان

* چنین است در اصل. سخن سخنان است که در عین نقل می‌شود.



مطالب دراماتیکی است.

«محصور کردن سیل خروشان افکار شکسپیر در محدوده بلورین

اصطلاحات، کار خارق‌العاده‌ای است که نبوغ بزرگ شاعرانه و قدرت خلاقه می‌خواهد، ولی ما در این راه، در زبان ارمنی اندوخته‌ای امیدوار کننده داریم، زیرا گاهی يك نمايشنامه او سه بار به وسیله سه شخص متفاوت ترجمه شده است، ولی این حقیقتی ارضاکنده است، با وجود اینکه کار ترجمه این آثار چهل سال پیش آغاز گشته است، ولی هم‌اکنون تأثیر عمیقی بر روی ادبیات معاصر و جوان ارمنی گذاشته است و متبع الهامی برای نویسندگان ما گردیده است.

«بنا بر این دلیلی وجود دارد بر این باور که شکسپیر سه سده پس از تسخیر اروپا، در قرن حاضر تفکر شرق را تحت تأثیر قرار خواهد داد، زیرا شکسپیر آثارش را نه برای يك دوره بلکه برای همه دوران‌ها به رشته تحریر درآورده است و همان‌گونه که خود گفته است:

«برای ملت‌هایی که هنوز متولد نگردیده و زبان‌هایی که هنوز پدید نیامده‌اند».

ماسحیان با ایراد این سخنان نام کشور خود ایران و نام‌مفاخر ادبی ایران را از طریق این مجمع بزرگ ادبی و بین‌المللی به گوش جهانیان رسانید.

انگلیسی‌ها و سایر مدعوین در آن روز تاریخی با هیجان و شادی سخنان کوتاه ولی پر محتوای ماسحیان را ارج نهادند، و در آن روز نام آوانس‌خان ماسحیان با نام شکسپیر همراه گردید. از رجال اواخر دوره قاجار، ناصرالملک که مدتی نیز نیابت سلطنت ایران را به عهده داشت، از علاقمندان شکسپیر و آثار او بود، و به این علت بین او و ماسحیان دوستی و الفتی وصف‌ناپذیر به وجود آمده بود، ناصرالملک و ماسحیان، رومئو و ژولیت را متفقاً به زبان فارسی ترجمه کردند.^۳

در سال ۱۸۸۱ میلادی، ارمنیان علاقمند به هنر تئاتر، در تهران، انجمن دوستداران تئاتر را به وجود آوردند. انجمن مزبور پس از مدتی فعالیت، با کمک ارمنیان تهران، سالن تئاتری با سن مربوطه در مدرسه ارمنیان تهران به نام مدرسه هایگازیان، در محله ارمنیان تهران، واقع در دروازه قزوین (حوالی میدان آرامنه فعلی تهران) احداث کردند. چند تن از نویسندگان و مترجمین ارمنی تهران، نمایشنامه‌های مختلف از آثار نمایشنامه نویسان مشهور جهان را ترجمه کرده و برای اجرا در اختیار گروه‌های تئاتر قرار دادند.

آوانس‌خان ماسحیان که از علاقمندان هنر تئاتر بود، نمایشنامه‌هایی از آثار نمایشنامه نویسان اروپائی خصوصاً شکسپیر ترجمه کرده و در اختیار گروه‌های تئاتر و انجمن دوستداران تئاتر قرار می‌داد. آوانس‌خان ماسحیان در سال ۱۸۹۱ میلادی ترجمه نمایشنامه «هاملت» اثر ویلیام شکسپیر را آغاز کرد. آوانس‌خان با «شرکت انتشاراتی ارمنیان» واقع در شهر تفلیس گرجستان، برای چاپ نمایشنامه‌های شکسپیر که به وسیله او ترجمه می‌گردید، قراردادی منعقد کرده بود. در ژانویه سال ۱۸۹۲ میلادی دستنویس ترجمه «هاملت» را برای چاپ به تفلیس ارسال داشت و در ۲۲ ژوئن سال ۱۸۹۴ میلادی، نمایشنامه «هاملت» منتشر گردید.^۴

آوانس‌خان ماسحیان در ماه مارس سال ۱۸۹۳ میلادی، به ترجمه «آنطور که می‌خواهید» اثر شکسپیر پرداخت و پس از اتمام ترجمه آن، آن را به تفلیس برای چاپ فرستاد، کتاب مزبور به وسیله «شرکت انتشاراتی ارمنیان» به چاپ رسید و در ۱۷ ژوئیه سال ۱۸۹۵ میلادی انتشار یافت.^۵

۴- شکسپیرنامه تألیف آکادمی علوم ارمنستان شوروی - انستیتوی هنر - جلد دوم چاپ ایروان، سال ۱۹۶۷ صفحه ۲۲۸.

۵- همان کتاب صفحه ۲۲۸.

در اگوست سال ۱۸۹۵ میلادی آوانس خان ماسحیان، ترجمه نمایشنامه «رومئو و ژولیت» اثر ویلیام شکسپیر را به پایان رسانده و به تفلیس ارسال داشت، و در سوم آوریل سال ۱۸۹۶ میلادی کتاب «رومئو و ژولیت» از زیر چاپ خارج شده توزیع گردید.^۶

در سال ۱۸۹۵ میلادی آوانس خان ماسحیان ترجمه نمایشنامه «تاجر ونیزی» را به اتمام رسانید و به تفلیس فرستاد، در فوریه سال ۱۸۹۷ میلادی ترجمه کتاب «تاجر ونیزی» منتشر گردید.^۷

آوانس خان ماسحیان پس از آنکه در سال ۱۹۰۶ میلادی به عنوان معاون کنسول ایران در پایتخت آلمان انتخاب گردید، محل چاپ کتاب‌های خود را به شهر وین پایتخت اتریش منتقل کرد. در ژوئیه سال ۱۹۱۶ میلادی و همچنین در ماه مه ۱۹۲۲ میلادی، آوانس خان ماسحیان برای مذاکره با ناشران ترجمه‌های خود به شهر وین مسافرت کرد.^۸ در طی سالهای ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۳ میلادی کتاب‌هایی که از آوانس خان ماسحیان در وین به چاپ رسیده است عبارتند از هاملت، اتللو، مکبث و تاجر ونیزی. ضمناً یکی از کتاب‌هایی که به وسیله آوانس خان ماسحیان از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه شده است، کتاب «مسافرت‌های برادران شرلی» است که در سال ۱۹۱۲ میلادی در تهران به چاپ رسیده است. سردنيس راس در مقدمه کتاب آنتونی شرلی و اتفاقات در ایران، چنین می‌نویسد:

«کتاب مسافرت‌های برادران شرلی و اتفاقات در ایران و روسیه و ترکیه و اسپانیا به زبان فارسی ترجمه شده و در سال ۱۹۱۲ میلادی در تهران به چاپ رسیده با ترجمه به وسیله هوانس خان ماسحیان به عمل آمده که شخصی ارمنی عالم و دارای سابقه طولانی

۶- همان کتاب صفحه ۲۲۹.

۷- همان کتاب صفحه ۲۳۰.

۸- همان کتاب صفحه ۲۳۰.

و ممتاز سیاسی بوده و در برلن و لندن و توکیو، سمت سفارت داشته است. هوانس خان ماسحیان نمایشنامه‌های شکسپیر را به زبان ارمنی و چند نمایشنامه به زبان فارسی ترجمه نموده است، ماسحیان شخص عالم و متخصص در ادبیات کلاسیک بود و ترجمه‌های شکسپیر در زبان ارمنی جزو آثار کلاسیک ادبیات ارمنی است.^۹

این شهادت سردنیس راس از طرف وزارت امور خارجه ایران، ضمن نامه شماره ۱۶/۷۲۷۱ مورخ ۱۵/۹/۱۳۴۰ که به عنوان مرحوم دکتر آقایان نوشته شده، مورد تایید قرار گرفته است. متأسفانه این ترجمه‌های فارسی در دست نیست و کسی از آنها اطلاعی ندارد. آوانس خان ماسحیان پس از آنکه در سال ۱۸۸۴ میلادی پس از اتمام تحصیلات خود از فرانسه به ایران بازگشت، به مقام مترجمی ناصرالدین شاه قاجار منصوب گردید. آوانس خان ماسحیان متجاوز از پنجاه جلد کتاب، از آثار نویسندگان اروپائی خصوصاً از الکساندر دوما، پیر لوتی، چارلز دیکنز، و سایر نویسندگان اروپائی را برای مطالعه ناصرالدین شاه به زبان فارسی ترجمه کرده است.^{۱۰} آوانس خان ماسحیان از هنگامی که برای تحصیل به کشور فرانسه عزیمت کرد به ترجمه آثار نویسندگان اروپائی خصوصاً شکسپیر پرداخت و زمانی که به ایران بازگشت برای اینکه بتواند به کار مورد علاقه خود که همانا ترجمه کردن بود بپردازد، هر بامداد ساعت پنج از بستر برمی‌خاست و تا ساعت ۹ بامداد به ترجمه می‌پرداخت. پس از آن به بقیه کارهای خود می‌رسید، آوانس خان ماسحیان سالیان متمادی به این طریق عمل کرد و توانست تعداد کثیری کتاب ترجمه کند. متأسفانه آگاهی ما در مورد کتابهایی که در طول چهل سال فعالیت ادبی خود ترجمه کرده اندک است و محدود به سیزده جلد کتاب به شرح زیر است:^{۱۱}

۹- نشریه هیات مراسم یادبود هوانس خان ماسحیان صفحه ۵.

۱۰- هوانس خان ماسحیان ۱۸۶۴-۱۹۳۱ به مناسبت سی‌امین سالگرد ماسحیان صفحه ۸.

۱۱- هم‌میهنان نقش‌آفرین مسیحی - عباسعلی صالحی صفحه ۵۱ و ۵۲.

۱- تاجر ونیزی، ۲- هاملت، ۳- مکبث، ۴- رومئو و ژولیت با همکاری ناصرالملک، ۵- اتللو، ۶- شاه لیر (کینگ لیر)، ۷- آنطور که می‌خواهید، ۸- ژولیوس سزار، ۹- آنطولیوس، ۱۰- طوفان، ۱۱- جنجال، ۱۲- خواب نیمه‌شب زمستانی، ۱۳- مسافرت‌های برادران شرلی.

آوانس‌خان ماسحیان در ۲۸ فوریه سال ۱۸۶۴ میلادی در تهران، در کوچه آرامنه واقع در محله دروازه شاه‌عبدالعظیم دیده به جهان گشود.^{۱۲} پدرش دزرونی از زرگران، جواهرسازان دربار قاجار بود که به او لقب ابراهیم‌خان زرگرباشی داده شده بود (از آثار برجسته ابراهیم‌خان زرگرباشی، کره جواهرنشانی است که به دستور ناصرالدین شاه به‌وسیله ابراهیم‌خان زرگرباشی ساخته شده است.^{۱۳} و هم‌اکنون کره جواهرنشان در خزانه بانک مرکزی نگهداری می‌گردد).

آوانس پس از طی دوره مدرسه ارمنیان تهران به نام مدرسه هایگازیان، به تبریز نزد دائیش آندون‌خان یرواندیان برای بیشتر آموختن زبان فرانسه، رفت. آندون‌خان یرواندیان یکی از معلمین مظفرالدین میرزا ولیعهد بود.^{۱۴} آوانس پس از ۳ ساله اقامت در تبریز و آموختن زبان فارسی به پاریس عزیمت کرد. در پاریس در «کالج دو فرانس» به تحصیل پرداخت.^{۱۵} پس از اتمام تحصیلات به تهران بازگشت و مترجم ناصرالدین شاه قاجار شد و سپس در دارالترجمه دولتی مشغول کار گردید.

۱۲- شرح حال رجال ایران، مهدی بامداد، کتابفروشی زوار، سال ۱۳۵۷، جلد اول صفحه ۱۷۳.

۱۳- آقای اریک ماسحیان (مسامدی) فرزند اسکندرخان مستشارالوزاره و برادرزاده آوانس‌خان ماسحیان، فتوکپی نامه‌ای در این مورد و همچنین مطالبی دیگر در مورد ماسحیان و کلیه عکسهای آوانس‌خان ماسحیان را در اختیارم قرار دادند که از ایشان سپاس فراوان دارم.

۱۴- هم‌میهنان نقش‌آفرین مسیحی صفحه ۴۷.

۱۵- شکسپیرنامه تألیف آکادمی علوم ارمنستان، سال ۱۹۶۷ جلد دوم صفحه ۲۲۷.

در سال ۱۸۸۷ میلادی ملکه ویکتوریا پنجاهمین سال سلطنت خود را جشن گرفت. هیاتی سیاسی از ایران برای تبریک گفتن عازم انگلستان گردید، آوانس‌خان ماسحیان^{۱۶} که ملقب به عماد‌الوزاره شده بود، با عنوان مترجم، هیات سیاسی ایران را همراهی کرد.

در سال ۱۸۹۴ میلادی به همت آوانس‌خان ماسحیان، اولین روزنامه ارمنی زبان تهران به نام روزنامه شایوق (به معنی کوره-راه) در تهران منتشر گردید. او تا قبل از سفر به کشور روسیه تزاری سردبیری روزنامه شایوق را به عهده داشت.^{۱۷}

در سال ۱۸۹۴ میلادی تزار نیکلای دوم پس از درگذشت پدر بر تخت سلطنت روسیه تزاری جلوس کرد. آوانس‌خان ماسحیان که اینک ملقب به «مساعدالسلطنه» شده بود، با سمت مترجمی، هیات نمایندگی ایران را که عازم سن پترزبورگ بود همراهی می‌کرد. تزار نیکلای دوم به آوانس‌خان مساعدالسلطنه نشان سنت آنا از درجه سوم اعطا کرد.

آوانس‌خان مساعدالسلطنه در سال ۱۸۹۷ برای شرکت در جشن شصتمین سال سلطنت و هشتادمین سالگرد تولد ملکه ویکتوریا، همراه هیاتی سیاسی از ایران عازم انگلستان گردید.^{۱۸}

آوانس‌خان سپس به وزارت امور خارجه ایران منتقل گردید و رئیس دارالترجمه^{۱۹} و سپس مدیر تحریرات بعضی از دول غیر همجوار در وزارت امور خارجه ایران شد.

در سال ۱۸۹۹ در مدرسه علوم سیاسی تهران به تدریس

۱۶- همان کتاب و نیز: مهاجرت ارمنیان، تالیف آرشاک آلیویاجیان، چاپ نورآستق قاهره، سال ۱۹۵۵ میلادی، جلد دوم، صفحه ۲۷۹ (کتاب نایاب مزبور را آقای دکتر آرمن حق نظریان در اختیارم قرار دادند که از ایشان صمیمانه تشکر می‌کنم).

۱۷- روزنامه آلیک، سال ۱۹۶۷ شماره ۲۱۰.

۱۸- مهاجرت ارمنیان تالیف آرشاک آلیویاجیان، جلد دوم صفحه ۲۷۹.

۱۹- تلاش آزادی، باستانی‌پاریزی، چاپ چهارم سال ۱۳۵۶ انتشارات نوین صفحه ۸۱.

پرداخت و حقوق بین‌الملل و «تاریخ جهان» تدریس می‌کرد. ۲۰
 آوانس‌خان مساعد السلطنه در سال ۱۹۰۶ میلادی به‌عنوان
 معاون کنسول ایران در برلن عازم کشور آلمان گردید و در همان
 سال، به نمایندگی از سوی دولت ایران در کنفرانس بین‌المللی
 «کشتیرانی در سواحل دریاها» شرکت جست. ۲۱

آوانس‌خان، مدت شش سال در برلن خدمت می‌کرد، سپس به
 ایران احضار گشت و پس از چند ماه توقف در تهران این بار با
 سمت وزیر مختار ایران در آلمان مجدداً به برلن عزیمت کرد.
 آوانس‌خان در ماه آوریل سال ۱۹۱۶ میلادی به تهران فراخوانده
 شد و مدتی عهده‌دار ریاست دفتر نایب‌السلطنه گردید.

آوانس‌خان مساعد السلطنه در ۳۰ ذیحجه ۱۳۴۴ قمری ۲۲ برابر
 با سال ۱۹۲۵ میلادی از سوی ارمنیان جنوب ایران، به نمایندگی
 مجلس شورای ملی ایران برگزیده شد.

در زمان نمایندگی در مجلس شورای ملی از طرف دولت ایران
 به سمت وزیر مختار ایران در لندن انتخاب گردید و به کشور
 انگلستان عزیمت کرد.

آخرین پست سیاسی آوانس‌خان مساعد السلطنه، سفیرکبیری
 ایران در کشور ژاپن بود. او در راه بازگشت به ایران، در شهر
 خاربین منچوری در نوزدهم نوامبر سال ۱۹۳۱ میلادی ۲۳ درگذشت.
 جنازه آوانس‌خان به تهران آورده شد و طی تشریفات رسمی در ۳۱
 ماه مارس ۱۹۳۲ میلادی در محوطه مدرسه ارمنیان تهران (خیابان
 میرزا کوچک‌خان، کلیسای ماریام آسداوازین) به خاک سپرده شد.
 آوانس‌خان مساعد السلطنه مردی ادیب و فاضل، نویسنده‌ای
 توانا و مترجمی چیره‌دست بود، او از دیپلمات‌های ورزیده و خوشنام

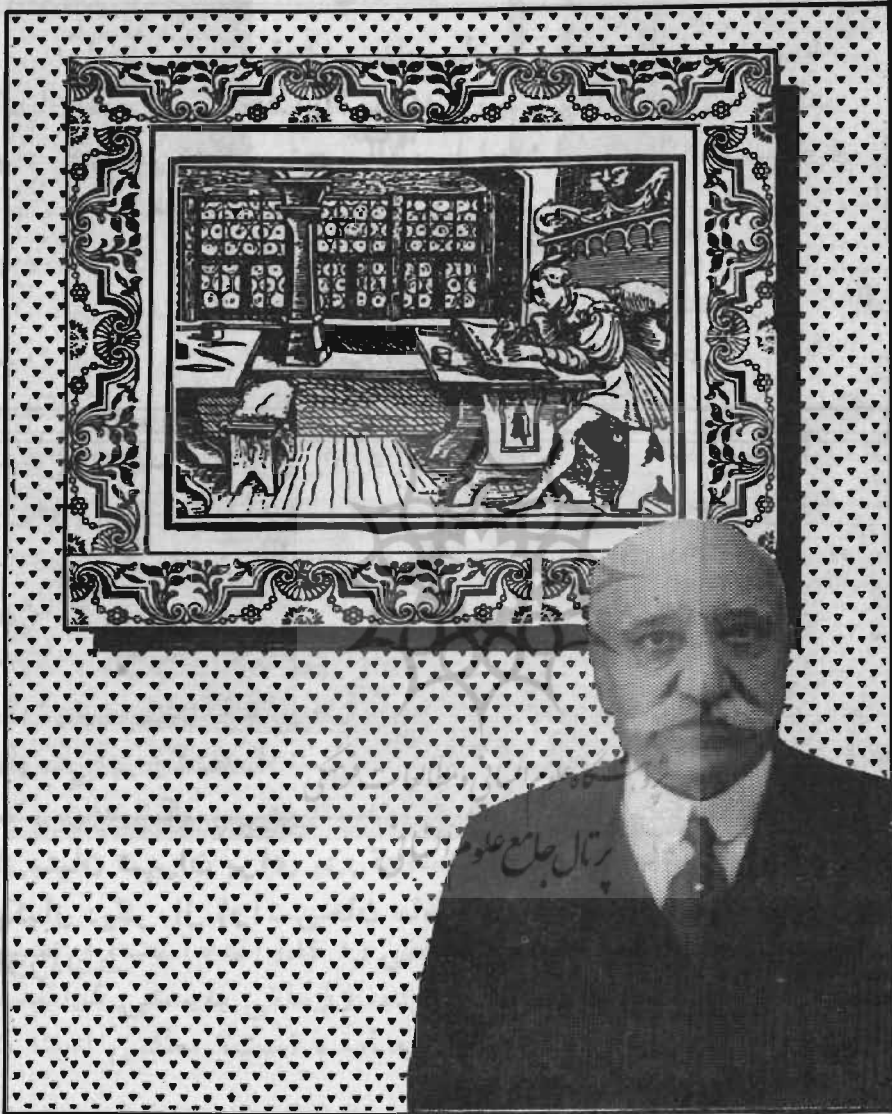
۲۰- شکسپیرنامه، تألیف آکادمی علوم ارمنستان شوروی، سال ۱۹۶۷ صفحه ۲۲۹.

۲۱- همان کتاب، صفحه ۲۲۹.

۲۲- اسامی نمایندگان مجلس شورای ملی تألیف عطاءالله فرهنگتقهرمانی سال؟ ص؟

۲۳- نشریه هیات مراسم یادبود هوانس‌خان ماسحیان، صفحه ۱۱.

وزارت امور خارجه ایران بود.
 مهدی بامداد در کتاب شرح حال رجال ایران در مورد آواتس



خان چنین می نویسد^{۲۴}:

۲۴- شرح حال رجال ایران، تألیف مهدی بامداد، جلد اول، صفحه ۱۷۴.

«به طوری که می‌گویند نامبرده در مأموریت‌های خارج خود مرد درستکاری بود و کثافت‌کاریهای مأمورین وزارت امور خارجه را نداشت».

اولین بار که آوانس‌خان مأمور خدمت در سفارت ایران در آلمان گردید، احتشام‌السلطنه وزیر مختار ایران در کشور آلمان بود. آوانس‌خان پنج سال با احتشام‌السلطنه همکاری داشت. احتشام‌السلطنه آوانس‌خان را به خوبی می‌شناخت و درباره او چنین می‌نویسد:^{۲۵}

«در مدت مأموریت وزارت خارجه و مأموریت برلن که آوانس‌خان از نزدیک با من همکاری داشت و باهم بودیم، به درستی و صحت عمل او را شناختم و اعتماد به او داشتم. هر کاری به او رجوع می‌شد، به خوبی از عهده انجام آن برمی‌آمد، آوانس‌خان هم پر مرحوم مشیرالدوله (شیخ محسن‌خان) نفوذ داشت ولی از رخنه در مزاج وزیر امور خارجه سوء استفاده نمی‌کرد، باید از او ممنون بود، ای کاش ایرانیان ده يك صمیمیت او را داشته و صد يك خدمات او را به مملکت ایران می‌کردند».

پس از درگذشت آوانس‌خان، روزنامه‌های خارج به او لقب «ارمنی بزرگ» دادند. در سال ۱۹۶۴ که مصادف با چهارصدمین سال تولد شکسپیر و یکصدمین سال تولد آوانس‌خان ماسحیان بود، ارمنیان تهران برای بزرگداشت او مراسم باشکوهی برپا کردند و یکبار دیگر از آوانس‌خان ماسحیان مساعدالسلطنه تجلیل به عمل آوردند.